

نگاه

پایان تشریفات



فاطمه عباسی | روزنامه نگار | سال ها بود که جلسات دفاع از پایان نامه کسه باید اوج یک مارتن علمی و آوردگاه اندیشه باشد، بی سروصدا تغییر ماهیت داده و به یک نمایش تجملاتی تبدیل شده بود. عکس هایی که از میزهای رنگارنگ و بسته های پذیرایی لاکچری در اتاق دفاع از پایان نامه در دانشگاه منتشر می شد نه تنها شگفت آور، بلکه نگران کننده بود. این پدیده که از یک پذیرایی ساده آغاز شد، به تدریج به رقابتی ناسالم برای تفاخر و چشم و هم چشمی بدل شد، رقابتی که دانشجویان را بر مرکز بر محتوای علمی پژوهشی دور می کرد و هزینه های گزافی بر دوش او و خانواده اش می گذاشت. حتی شایبه تأثیر گذاری این «سفروارایی» بر نمره نهایی و ارائه هدايا به استادان قداست فضای آکادمیک را زیر سؤال برده بود.

تلاش های پراکنده برخی دانشگاه ها برای مهار این روند تاکنون نتیجه قاطعی نداشته است. اما حالا به نظر می رسد کاسه صبر سیاستگذاران آموزش عالی کشور نیز لیز شده است. بخشنامه اخیر معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یک فرمان قاطع و سراسری برای پایان دادن به این روال است. ممنوعیت پذیرایی های تشریفاتی و سرو غذاهای گرم، محدود کردن پذیرایی به یک چای و بیسکویت ساده در دانشکده و مهم تر از آن ممنوعیت ارائه و دریافت هر گونه هدیه گام هایی مشخص برای بازگرداندن شئون علمی به جلسات دفاع است. این بخشنامه اگر با نظارت دقیق و مستمر همراه شود (همانطور که در متن آن نیز بر عهده نماینده معاونت آموزشی گذاشته شده) می تواند نقطه پایانی بر بدعتی پر هزینه و آسیبزا باشد. امید است با اجرای این دستورالعمل بار دیگر تمرکز اصلی به جایگاه واقعی خود، یعنی متن پایان نامه و کیفیت دفاع دانشجو باز گردد و دانشگاه از میدان رقابت های تجملاتی به جایگاه اصیل خود، یعنی تولید علم و اندیشه رجعت کند.

دور دنیا

دریاچه ای که غیب می شود

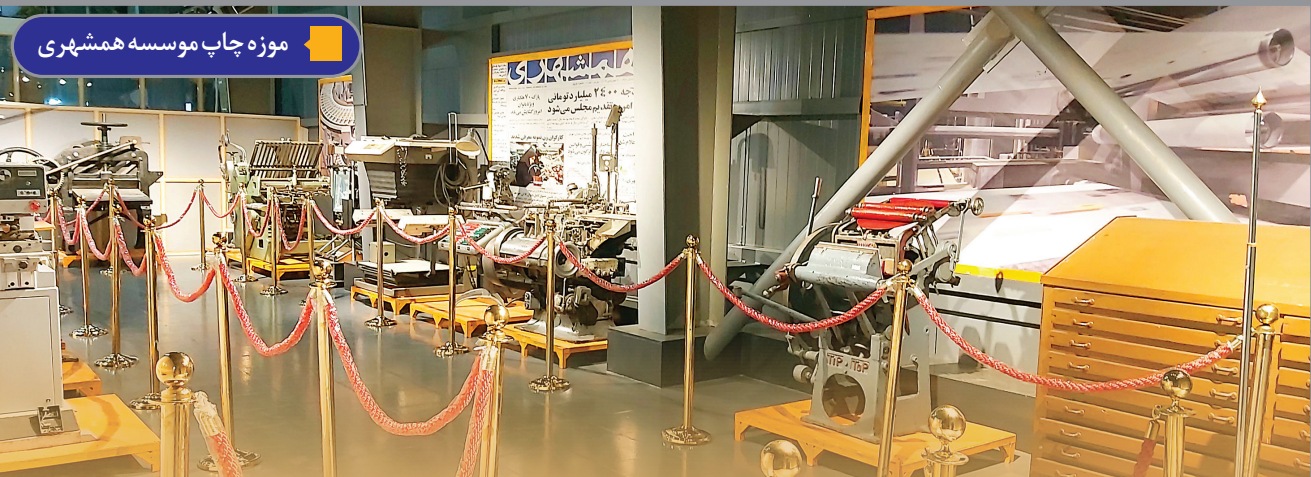


در میان تپه های سرسبز شهرستان آنتیریم در ایرلند شمالی، طبیعت، شعبده های شگفت انگیز به نمایش می گذارد. دریاچه ای به نام «لوگاریمسا» که محلی ها آن را «دریای ناپدیدشونده» می خوانند، در چرخ های حیرت آور، گاهی تا لب از آب است و ساعاتی بعد به گودالی خالی و خشک تبدیل می شود، گویی هرگز وجود نداشته است. این بازی پر و خالی شدن ظاهر ا قوانین معمول طبیعت را به سرخه گرفته است.

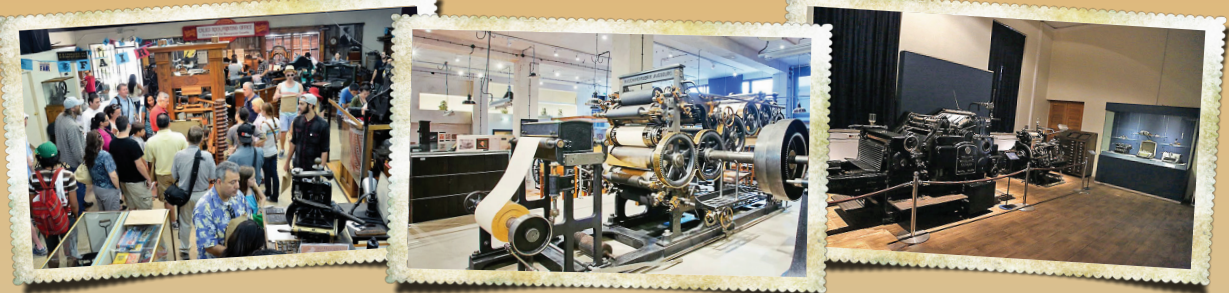
منبع حیات این دریاچه ۳ رود کوچک است که بی وقفه به آن می ریزند، اما راز ناپدید شدنش در کف آن نهفته است، حفره زهکشی مرموزی که به عنوان تنها خروجی آب عمل می کند. این حفره به یک شبکه زیرزمینی پیچیده و ناشناخته متصل است که عملکردی شبیه سیفونی غول پیکر دارد. گاهی این مجرا به دلایلی نامعلوم مسدود می شود و می گذارد دریاچه پر شود، سپس به طور ناگهانی باز می شود و تمام حجم آب را با قدرتی باورنکردنی به اعماق زمین می کشد. جالب تر آنکه تحقیقات نشان داده آب بلعیده شده توسط لوگاریمسا پس از طی مسیر زیرزمینی حدودا ۵/۲ کیلومتری، از چشمه ای بزرگ در رودخانه «کری» سر بر می آورد. با وجود این کشف، سازوکار دقیق این سیستم هیدرولیکی زیرزمینی و علت باز و بسته شدن ناگهانی آن همچنان راز آمیز است. همین ابهام علمی لوگاریمسا را از یک پدیده جغرافیایی صرف به یکی از بی نظیر ترین و مسحور کننده ترین شگفتی های طبیعی ایرلند شمالی بدل کرده است. دریاچه ای که با غیب شدنش کنجگوی جهان را برمی انگیزد.

میراث نشر

به بهانه ۱۱ شهریور، روز بزرگداشت صنعت باشکوه چاپ گشتی در موزه های این صنعت در جهان می زنیم



سیدسروش طباطبایی پور | روزنامه نگار | برخی معتقدند تا قبل از ایجاد و گسترش صنعت چاپ، کتاب که منبع نشر آگاهی است، برای از مایه تران بود و چند نسخه موجود از هر کتاب، تنها در کتابخانه های این پادشاه و آن وزیر و وکیل یافت می شد و عموم مردم به این گنجینه دسترسی نداشتند؛ اما از زمان ظهور و بروز چاپ، آگاهی همگانی شد و به برکت این صنعت از زشمند عموم مردم هم دیگر می توانستند به آگاهی، این در کمیاپ دسترسی یابند و با بال کتاب و نشریه و مطبوعات چاپ شده در آسمان علم و آگاهی پرواز کنند. در جهان، به بهانه اختراع نخستین دستگاه ماشین چاپ و حروف چاپی سری با قابلیت جابه جایی توسط یوهان گوتنبرگ در سال ۱۴۵۶، این روز را روز صنعت چاپ نامیده اند و در چنین روزی، در بزرگداشت این صنعت بلندبلا سخن ها می رانند.



موزه کتابت و چاپ در ایران

یکی از قدیمی ترین موزه های صنعت چاپ در ایران موزه کتابت و چاپ در خیابان ۳۰ تپیر است. موزه ای که ساختمان آن همان ساختمان کتابخانه ملی است که در سال ۱۳۱۶ مورد بهره برداری قرار گرفت. در این موزه کارنامه درخشانی از انتشار کتاب، نشریات و دستگاه ها و ماشین آلات چاپ در گذشته ایران در معرض دید عموم قرار دارد. این موزه از ۷ بخش تشکیل شده: گذشته کتاب در ایران، آغاز چاپ در ایران، ماشین های چاپ، چاپخانه، چاپ عکس، صحافی و کتابسازی و کتابت و چاپ در عصر دیجیتال و حتی دوران معاصر که در هر یک از این بخش ها قدیمی ترین ماشین آلات نیز مشاهده می شوند.

بخش تاریخ نگاری این موزه از دوره عیلامی یعنی ۳ هزار سال قبل از میلاد آغاز می شود و تا امروز ادامه دارد.

موزه گوتنبرگ در جمهوری چک

کوتنا هرا شهری در منطقه بوهمیای مرکزی کشور جمهوری چک است که موزه چاپخانه گوتنبرگ را در دل خود جای داده است. وقتی گوتنبرگ نخستین ماشین چاپ را اختراع کرد، کاتبی به نام مارتین با ماشین چاپ این زرگر آلمانی در همین مکان انجیل معروف کوتنا را در سال ۱۴۸۹ چاپ کرد و حالا اینجا تبدیل به یکی از غنی ترین موزه های چاپ جهان شده است. این مجموعه شامل یک دستگاه چاپ دستی از چاپخانه زروویت در پراگ، پایتخت جمهوری چک است که تاریخ استفاده از آن به قرن ۱۷ میلادی بازمی گردد و از معدود دستگاه هایی است که از آن روزگار در اروپا حفظ شده است. در این موزه کارگاه ها و غرفه هایی هم در مورد صنعت چاپ وجود دارند که بازدیدکنندگان را جذب خود می کنند.

موزه بین المللی صنعت چاپ آمریکا

موزه ای بین المللی که در سال ۱۹۸۸ در آمریکا تاسیس شده و مجموعه ای از ماشین آلات چاپ جهان را در دل خود گرد آورده است. همچنین در این موزه می توانید تجهیزات قدیمی گرافیک جهان را که در خدمت صنعت چاپ بوده، ببینید. یکی از برنامه های جذاب این موزه برنامه موزه روی چرخ ها است، به این معنی که کارکنان موزه ابزارها و دستگاه های چاپی قابل حمل را به مدارس می برند تاچاپهاتوانند از دیدن آنها استفاده کنند. در این موزه که مکان دائمی و فعلی آن در شهر کارسون در کالیفرنیا است، نمایشگاه های سالانه صنعت چاپ نیز برپا می شود. مدتی پیش مدیر این موزه جایزه معتبری را برای تلاش خستگی ناپذیر برای حفظ میراث صنعت چاپ از سوی انجمن صنایع آمریکا دریافت کرد.



موزه گوتنبرگ در آلمان

موزه گوتنبرگ، در میدان لیپرفاون در شهر ماینز کشور آلمان، یکی از قدیمی ترین موزه های چاپ در جهان است، با اتاق هایی مجلل در ساختمانی که در گذشته صومعه بوده و حالا قدیمی ترین ماشین آلات چاپ جهان را در دل خود جای داده است. این موزه در درجه اول به یوهانس گوتنبرگ اختصاص دارد، کسی که با دستگاه چاپ با حروف فلزی، انقلابی در صنعت چاپ ایجاد کرد؛ اما در قلب این نمایشگاه دائمی ۲۳ نسخه از کتاب مقدس ۴۲ خطی گوتنبرگ که شهرتی جهانی دارد و جزو نخستین آثار چاپی است، به نمایش درآمده است. دستگاه های قدیمی چاپ، ابزارهای فنی، حروفچینی و دیگر وسایل تاریخ چاپ در این موزه نگهداری می شوند.

موزه چاپ چین

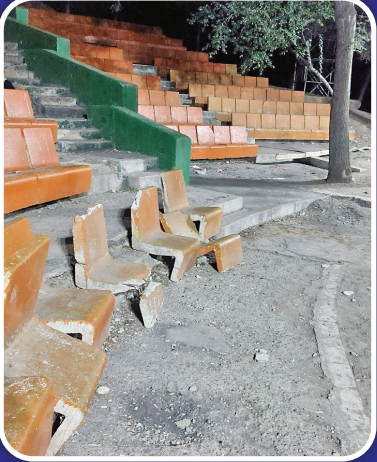
یکی از بزرگترین موزه های صنعت چاپ در کشور چین است. این موزه در شهر پکن در سال ۱۹۹۶ تاسیس شده و در آن از اختراع و تکامل صفحات چینی گرفته تا تجهیزات چاپ و نسخه های اولیه چاپی نیز موجود است. در سالن ورودی آن، یک نقاشی بزرگ و زیبا از بلوک های چاپ حروف چینی با سبک خاص خود به بازدیدکنندگان خوشامد می گوید و در طبقه اول، توسعه کاغذ، روش های اولیه چاپ با کمک نقش برجسته هایی روی بامبو، استخوان یا بلوک های چوبی و فلزی و سری به نمایش گذاشته شده است.

در این موزه انواع چاپ های امروزی مثل چاپ سبدهای هم به نمایش درآمده است.



سوزه روز

دل های بتنی



بوستان ها، تفرجگاه های اند برای نفس کشیدن؛ برای قرار و مدارهای دوستانه و حتی بازی های کودکانه. اعتبار محله را هم بوستان ها بالا می برند؛ وقتی در محله ای، بوستانی پهلو گرفته و سبزی و طراوت خود را منتشر می کند، اکسیرن بیشتری در آن محله در رفت و آمد است و لاجرم خلق و خوی اهالی، ملایم تر می شود. اما این مکان های مصفا، با خون دل آباد می مانند؛ سازمان بوستان ها فضای سبز و معاونت های آن، پیمانکاران ریز و درشت، آب رسانی، باغبانی و هزار هزار همت عالی دیگر که در کنار هم یک نیروی قدرتمند می شوند تا فضای سببز در یک محله سبز، همچنان با صفا و دلربا باقی بماند. یک اما و اگر ساده، البته همه زحمات این گروه خدوم را به سادگی از بین می برد و آن، بی توجهی و کم لطفی مردمی با دل های بتنی است که از این موهبت محلی بهره می برند، اما برای حفظ و نگهداری آن نمی کوشند. اگر رهگذران خسته از راه، هوای نیمکت های بوستانشان را انداخته باشند و با بی مهری، حتی صندلی های بتنی آن را تخریب کنند، حتی بوستان قدیمی و دلربایی مثل بوستان جمشیدیه هم از چشم ها خواهد افتاد و رهگذر خسته بعدی، دیگر جایی برای نشستن نخواهد یافت.

عکس خانه

شب نشینی راه شیری در خرقان



در پهنه خاموش دشت قزوین، جایی که تاریخ در خشت خشت بنایی گهی نفس می کشد، شب ضیافتی از نور و زمان برپا کرده است. در این قاب سحرانگیز که توسط هنرمند عکاس، سعید افخم، به ثبت رسیده و در شبکه های اجتماعی پربازدید شده، برج آرامگاه خرقان، این شاهکار معماری سلجوقی، استوار و سلاکت، میزبان شکوهمند کهکشان راه شیری شده است؛ گویی گنبد آجری این برج قرن هاست که به انتظار چنین وصالی نشست تا آغوش خود را به روی ستارگان بگشاید.

نور گرم و نارنجی رنگ افق مرزی رؤیای میان زمین و آسمان کشیده و جزئیات حیرت انگیز آجرکاری ها و نقوش کوفی برج را زیر نور میلباردها ستاره روشن کرده است. این تصویر تنها یک عکس نجومی نیست، بلکه گفت و گویی بصری میان قدمت هزارساله هنر ایرانی و عظمت بی پایان کیهان است. در سکوت این دشت، برج خرقان نه فقط یک مقبره، بلکه رصدخانه ای باستانی به نظر می رسد که تاریخ زمین را به ابدیت آسمان پیوند می زند و به ما یادآوری می کند که هنر و زیبایی زبانی مشترک در تمام گستره هستی دارند. این لحظه تلاقی سحرانگیز میراث گذشتگان با میراث مشترک تمام بشریت، یعنی آسمان شب است.